

اهمیت و جایگاه تعامل خانواده و مدرسه، در اجرای بهتر برنامه ریزی درسی مدارس

مرضیه کرمی، نویسنده مسئول^۱

۱- کارشناس ارشد تکنولوژی آموزشی، دانشگاه علامه طباطبائی

m..@yahoo.com

0917.....

چکیده

مشارکت والدین در طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه های درسی، یکی از مهم ترین چالش های دنیای تعلیم و تربیت است. مسئله مهم در نگارش این مقاله، آن است که مشخص کند: والدین، به منظور اجرای بهتر برنامه ریزی درسی مدارس از چه طریقی می توانند مشارکت خود را اعمال کنند، تعامل خود را با مدرسه حفظ کنند و با موانع و چالش های پیش رو در این زمینه، کنار بیایند. بنابراین، با توجه به توضیحات فوق، هدف از انجام پژوهش حاضر، پاسخگویی به سه سؤال اساسی، به این شرح بود: سؤال اول پژوهش: خانواده چه نوع حمایتی را می تواند در اجرای بهتر برنامه ریزی درسی مدارس، داشته باشد؟ سؤال دوم پژوهش: تعامل بین خانواده و مدرسه، به منظور اجرای بهتر برنامه ریزی درسی مدارس، باید به چه صورت باشد؟ و چالش ها و موانع توسعه میزان مشارکت خانواده در اجرای بهتر برنامه ریزی درسی مدارس، کدامند؟ به منظور پاسخگویی به این سه سؤال پژوهش، از روش پژوهش «توصیفی - تحلیلی» استفاده شد. پژوهشگر، به منظور پاسخگویی به این سؤالات، به جستجو در پایگاه های اطلاعاتی داخل و خارج از کشور پرداخت و محدودیت های جستجوی این او (معیار انتخاب مقالات)، به این صورت بود: مقالات علمی چاپ شده در مجلات دارای درجه علمی - پژوهشی که تاریخ چاپ آن ها از سال ۱۳۹۵ شمسی (مقالات فارسی زبان) یا از سال ۲۰۱۸ میلادی (مقالات انگلیسی زبان) تا به زمان حال بوده است. با توجه به مبنای نظری مطرح شده در این مقاله و سایر پژوهش ها و بررسی های صورت گرفته در حیطه موضوع این پژوهش، در قالب یک جدول جمع بندی و به صورت خلاصه، به سه سؤال اساسی این پژوهش، با اشاره و ارجاع دهی به مقالات مربوطه، پاسخ داده شد. **واژگان کلیدی:** اجرای برنامه درسی، برنامه ریزی درسی مدارس، مشارکت خانواده در برنامه ریزی درسی، مشارکت خانواده در مدارس.

۱- مقدمه

با نگاهی به گذشته می توان دریافت که آموزش، قدمتی به اندازه تاریخ بشر دارد. این سابقه تاریخی نشان از اهمیت امر آموزش و پرورش^۱ در دوران مختلف زندگی انسان دارد؛ به طوری که با مرور زمان بر نقش بی بدیل آن در راستای تحقق هدف های کشورهای افزوده شده است؛ به عبارت دیگر، آموزش و پرورش در تمام اعصار، همواره در زمره مهم ترین و اساسی ترین ارکان جوامع گوناگون قرار داشته است؛ چراکه نظام های آموزشی، نقش تأثیرگذاری در رسیدن به هدف های حکومت در جوامع مختلف ایفاء می کنند که به همین دلیل، در طول زمان همواره مورد توجه رهبران کشورها قرار گرفته اند. باور بر این است که آموزش و پرورش، ابزار کلیدی توسعه انسانی^۲، رشد اقتصادی، دموکراسی، تجاری سازی، حقوق بشر و مواردی از این قبیل است. این موضوع نشان دهنده نقش آموزش و پرورش در انتقال

¹ education

² human development

دانش و آماده‌سازی افراد برای زندگی آینده در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، حرفه‌ای و نظایر اینها می‌باشد (محمدی‌پویا، ادیب و زارعی، ۱۳۹۹، ص ۳۳۷).

مدرسه، مهم‌ترین مؤسسه آموزشی^۱ است که بیش‌ترین فعالیت‌های آن صرف تربیت نسل حال برای آینده جامعه می‌شود. برخی از سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی، مستقیماً و به‌طور ارادی و آگاهانه، در جریان تربیت مداخله می‌کنند و برخی دیگر، به‌صورت غیرمستقیم، بر موفقیت و عدم موفقیت فرآیند تربیت، تأثیر می‌گذارند. از طرفی هم ذات آموزش و پرورش، نیازمند مشارکت تمام عناصر دخیل در فرآیند یاددهی-یادگیری است. در چنین فرآیندی، اندیشه یادگیری و شرکت در تصمیم‌گیری‌ها سبب رشد و بالندگی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می‌شود و زمینه‌های تحقق بخشیدن به جامعه پویا و توسعه‌یابنده را فراهم می‌آورد. از این رو نظام‌های آموزش رسمی جهانی در سراسر دنیا، در صدد برآمده‌اند تا هر چه بیشتر، امکان تداوم نقش تربیتی خانواده‌ها^۲ را در نظام آموزش رسمی و عمومی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای مؤثر در تعلیم و تربیت فراهم سازند. (گراس^۳، چوئی^۴ و فرنسیس^۵، ۲۰۱۸).

آموزش و پرورش، زیربنای توسعه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است و به‌عنوان یک نهاد اجتماعی اساسی، نقشی حائز اهمیت در جامعه‌پذیری و تربیت نیروی انسانی دارد؛ به‌گونه‌ای که تأثیر توجه بیشتر به تعلیم و تربیت، متوجه جامعه و خانواده است و آینده کشور در آئینه آموزش و پرورش امروز، قابل مشاهده است (قُدسی، بلالی و لطیفی پاک، ۱۳۹۶، ص ۸۲). مشارکت جدی والدین در مدارس و برنامه‌های درسی^۶ آن، همیشه مورد توجه متخصصان آموزش و پرورش بوده است. آن‌ها نیز اغلب به دنبال طراحی مدل‌هایی از ارتباط بین والدین و مدارس هستند تا با استفاده از این نوع مدل‌ها، زمینه افزایش مشارکت والدین^۷ را هموار سازند.

مشارکت، عاملی برای درهم شکستن موانع رشد و پیشرفت و ایجاد فضای مناسب جهت رشد و تعالی است و به‌عنوان راهبردی به حساب می‌آید که فرصت‌های مناسبی خلق می‌کند تا مردم برای از میان برداشتن دشواری‌ها و گشودن مرزهای بسته، به راه‌های تازه دست پیدا کنند. مشارکت والدین در امور مدارس، شامل طیف وسیعی از انواع زمینه‌ها است که می‌تواند شامل مشارکت در عرصه‌های آموزشی، انضباطی، مالی، فرهنگی و اجتماعی بوده و به‌طور مستقیم (با حضور در مدرسه) و یا غیر مستقیم (در محیط بیرون از مدرسه) انجام شود (قُدسی، بلالی و لطیفی پاک، ۱۳۹۶، ص ۸۲).

در زمان شیوع ویروس کرونا و تعطیلی مدارس دنیا، با خانه نشینی نزدیک به ۹۰ درصد دانش‌آموزان در اوایل آوریل ۲۰۲۰، تبعات بی‌توجهی به ابعاد فرزند پروری و ارتباطیابی در زمان تعطیلی مدارس در کشور ما، بیش‌ازپیش نمایان شد؛ چراکه کشورهایی که در حیطه‌های مشارکت، وضعیت بهتری داشتند، با آسیب‌های کمتری روبه‌رو شدند؛ اما در کشور ما خیل عظیمی از والدین، به استثناء والدینی که معلم هستند، از ارائه آموزش‌ها، خدمات یادگیری و اجرای برنامه‌های درسی ناتوان بودند و چنانچه آن‌ها آموزش‌های لازم را در این زمینه دریافت کرده بودند، می‌توانستند عملکرد بهتری در زمان تعطیلی مدارس داشته باشند. البته ناظر بر بعد ارتباطیابی نیز، همین بی‌توجهی، مشکلاتی به‌دنبال داشته است؛ به‌طوری‌که وزارت آموزش و پرورش نزدیک به ۲ ماه پس از تعطیلی آموزش حضوری، شبکه اجتماعی دانش‌آموزان (شاد) را راه‌اندازی کرد و فقدان آشنایی معلمان، والدین و دانش‌آموزان با این شبکه و البته عدم پایبندی استفاده و حضور در بستر این شبکه از سوی برخی از مدارس غیرانتفاعی، به‌دلیل بهره‌مندی از برنامه‌ها و امکانات مجازی خود، نشانه‌های آشفته‌گی عملکرد آموزش و پرورش کشور را برملاء کرد (محمدی‌پویا، ادیب و زارعی، ۱۳۹۹، صص ۳۶۱-۳۶۲).

با وجود نقش اساسی خانواده در تعلیم و تربیت، این نقش در عمل با چالش‌هایی روبه‌رو است. بررسی نقش تربیتی خانواده در نظام آموزش و پرورش، در گروی آگاهی از اهمیت نقش آن و نحوه ورود آن در فرآیند تربیت، در کنار مدرسه است. والدین باید در فرآیندهای تصمیم‌گیری در همه زمینه‌های تأثیرگذار بر دانش‌آموزان، از مشارکت در تدوین هدف‌های کلی آموزش و پرورش، اظهارنظر در برنامه

¹ educational institution

² the educational role of families

³ Gross

⁴ Choi

⁵ Francis

⁶ curricula

⁷ parental involvement (participation)

درسی و موضوعات درسی مورد نیاز دانش‌آموزان، نوع و شیوه‌های آموزش، همکاری در تأمین بخشی از هزینه‌های آموزش و پرورش، تحقق بخشیدن به هدف‌های فوق برنامه و سایر برنامه‌های اصلاحی مدرسه و همسویی و همفکری در زمینه عملکرد معلمان در کلاس درس، فرآیند ارزشیابی و اظهار نظر در انتخاب رشته تحصیلی دانش‌آموزان، مشارکت داشته باشند و همچنین در تربیت عملی فرزندان در منزل، برای دستیابی به همان هدف‌ها و برنامه‌های پیش‌بینی شده، تلاش کنند (مظاهری، موسی‌پور و ناطقی، ۱۳۹۵، صص ۷-۸).

مشارکت والدین در طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های درسی^۱، یکی از مهم‌ترین چالش‌های دنیای تعلیم و تربیت است؛ چون با مشارکت والدین، بسیاری از برنامه‌ها، تحقق یافته و عملی می‌شوند؛ زیرا که والدین جزء اولین افرادی هستند که در مورد دانش‌آموزان که فرزندان آن‌ها هستند، شناخت کافی داشته و از نیازهای متعدد آن‌ها آگاه هستند. مسئله مهم در نگارش این مقاله، آن است که مشخص کند: والدین، به‌منظور اجرای بهتر برنامه‌ریزی درسی مدارس^۲ از چه طریقی می‌توانند مشارکت خود را اعمال کنند، تعامل^۳ خود را با مدرسه حفظ کنند و با موانع و چالش‌های پیش رو در این زمینه، کنار بیایند. بنابراین، با توجه به توضیحات فوق می‌توان گفت که هدف از انجام پژوهش حاضر، پاسخگویی به سه سؤال اساسی، به این شرح می‌باشد؛ سؤال اول پژوهش: خانواده چه نوع حمایتی را می‌تواند در اجرای بهتر برنامه‌ریزی درسی مدارس، داشته باشد؟ سؤال دوم پژوهش: تعامل بین خانواده و مدرسه، به‌منظور اجرای بهتر برنامه‌ریزی درسی مدارس، باید به چه صورت باشد؟ و چالش‌ها و موانع توسعه میزان مشارکت خانواده در اجرای بهتر برنامه‌ریزی درسی مدارس، کدامند؟

۲- مبانی نظری پژوهش

در جوامع جدید، مدرسه یکی از نهادهای تربیتی و آموزشی مهم است که در کنار خانواده مهم‌ترین کانون تعلیم و تربیت به‌شمار می‌رود. جامعه‌پذیری و انتقال فرهنگ، جزو کارکردهای مدرسه محسوب می‌شوند؛ اما برای موفقیت مدارس در امر تعلیم و تربیت، همکاری و هماهنگی بین دو نهاد خانه و مدرسه، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر محسوب می‌شود. چون مدرسه قادر نیست چنین مسئولیتی را بدون شناخت خانواده و بدون تکیه بر امکانات و توانایی‌های اولیاء و همکاری آن‌ها در تقویت امکانات آموزشی و تربیتی مدرسه، به‌عهده بگیرد، مشارکت خانه و مدرسه و آگاهی‌هایی که متعاقب این همکاری برای اولیاء و مدرسه ایجاد خواهد شد، برای آموزش و تربیت فرزندان مهم بوده؛ همچنین همکاری‌های یاد شده، موجبات پیشگیری از نابهنجاری‌های جامعه را فراهم خواهد ساخت (قدسی، بلالی و لطیفی پاک، ۱۳۹۶، ص ۸۲).

مشارکت والدین در امور مدرسه، شامل طیف وسیع از انواع زمینه‌ها می‌شود که می‌تواند شامل مشارکت در عرصه‌های آموزشی، انضباطی، مالی، فرهنگی و اجتماعی بوده و به‌طور مستقیم (با حضور در مدرسه) یا غیر مستقیم (در محیط بیرون از مدرسه) انجام شود. در همین راستا، همسویی خانه و مدرسه در عالی‌ترین شکل خود در قالب فعالیت‌های انجمن اولیاء و مربیان^۴، جلوه‌گر می‌شود؛ از این رو، امروزه، انجمن‌های اولیاء و مربیان به پرمعناترین وسیله ارتباط خانه و مدرسه تبدیل شده‌اند. تربیت بهینه نسل جدید، مرهون تعامل و مشارکت جامع خانه و مدرسه به‌عنوان دو نهاد اساسی تربیتی است. مدارس، بدون مشارکت والدین نمی‌توانند آنگونه که باید در تربیت دانش‌آموزان موفق باشند و این نیاز اجتناب‌ناپذیر از وجه دیگر برای خانواده نیز مصداق دارد (حسین‌آبادی و سلیمی، ۱۳۹۹، ص ۷۵). موضوع مشارکت اولیاء با مدارس، برای بهبود کیفیت^۵ در آموزش و پرورش هم‌اکنون به یک موضوع علمی مهم تبدیل شده که مورد علاقه دست‌اندرکاران قرار گرفته است. در هر حال، این موضوع نیاز به بررسی و پژوهش دارد و نیازمند برداشت جدیدی از هدایت و رهبری است تا بتواند خواسته‌های مدیران، معلمان، دانش‌آموزان و والدین آن‌ها و مراکز آموزشی را در دنیای امروزی برآورده کند.

۲-۱- اهمیت و نقش خانواده در نظام آموزشی

¹ designing, implementing and evaluating curricula

² school curriculum planning

³ interaction

⁴ parent-teacher association

⁵ quality improvement

اهمیت خانواده در سرنوشت فرد و اجتماع و کارکردهای گوناگون آن از یک سو و تأثیر دگرگون کننده تحولات اجتماعی و فناوری دهه های اخیر بر ساختارهای اجتماع، اندیشه و رفتارهای انسان، تداوم نقش تربیتی خانواده را نمایان می سازد. این دو نهاد یعنی خانواده و نظام تربیت رسمی و عمومی، از جمله نهادهایی می باشند که تحت تأثیر یکدیگر قرار دارند و در عین حال، متأثر از مسائل جامعه، سیاست، اقتصاد و فناوری هستند. شاید بتوان گفت عدم اهتمام و توجه لازم به این امر، سبب بروز مسئله های فراوانی برای هر دو نهاد در سال های اخیر شده است (بارگر^۱، کیم^۲، کیونسیل^۳ و پومرانتز^۴، ۲۰۱۹).

امروزه در نظام جهانی، مشارکت افراد ذینفع، به ویژه والدین در آموزش و پرورش، به منزله یکی از عوامل مهم دموکراسی در آموزش و پرورش شناخته شده است. ذات آموزش و پرورش، مشارکت تمام عناصر دخیل در فرایند یاددهی - یادگیری را طلب می کند. در چنین فرایندی، اندیشه یادگیری و شرکت در تصمیم گیری ها، سبب رشد و بالندگی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی شده است و زمینه های تحقق جامعه پویا و توسعه یابنده را فراهم می آورد. به همین جهت است که نظام های آموزش رسمی جهانی در سراسر دنیا در این صدد هستند تا هر چه بیشتر، امکان تداوم نقش تربیتی خانواده ها را در نظام آموزش رسمی و عمومی فراهم سازند (اسمیت^۵، رینکی^۶، هیرمن^۷ و هوئانگ^۸، ۲۰۱۹).

خانواده ها به شکل های مختلفی می توانند در فرایند آموزشی و تربیتی فرزندان با مدرسه مشارکت و هماهنگی داشته باشند. این مشارکت می تواند، هم به شکل قابل مشاهده ای، مراجعه به مدرسه و درگیر شدن در فعالیت های آموزشی و تربیتی دانش آموزان باشد و هم به شکل نامحسوس و غیر قابل مشاهده آن، مانند چگونگی شکل گیری نگرش ها و علائق کودکان به آموزشگاه و به طور کلی، فرایند کسب دانش باشد. بسیاری از والدین به غلط تصور می کنند که کار آموزش و یاددهی فقط در مدرسه و توسط معلم باید انجام گیرد و در این ارتباط خودشان هیچ نقشی ندارند؛ در حالی که نقش والدین و اهمیت مشارکت آن ها در فرایند آموزش و یادگیری فرزندان، کمتر از معلمان نیست. والدین باید با مراجعه منظم و زمان بندی شده خود به مدارس و اطلاع یافت از روش های تدریس و یاددهی مورد استفاده معلم و کسب راهنمایی های لازم از او، نقش خود را در فعالیت های آموزشی مدرسه به خوبی ایفاء نمایند. این مشارکت فعال و مسئولانه در فرایند آموزش، به یادگیری برتر و پیشرفت تحصیلی^۹ فرزندان خواهد انجامید. همیشه، والدین، سرمشق ها و الگوهای بسیار مؤثر و قوی ای در شکل گیری رفتارها، عادات و نگرش های فرزندان خود محسوب می شوند (علوی اندراجمی و ایزدی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۰).

۲-۲- ضرورت و اهمیت تعامل بین خانه و مدرسه

خانه و مدرسه در انجام وظایف تربیتی، مکمل یکدیگر هستند؛ خانه، مدرسه اول فرزند و مدرسه، خانه دوم او است و اگر این دو نهاد، روش ها و برنامه های هماهنگی نداشته باشند، در روند رشد کودک، اختلال به وجود می آید. دو نهاد خانه و مدرسه، نقش اساسی در تکوین شخصیت دانش آموزان دارند.

باید بین روش ها و منش های خانه و مدرسه، همسویی و تشابه وجود داشته باشد و یکی از این دو کانون، کار دیگری را خنثی نکند؛ بلکه به عنوان دو جریان همدل و مکمل عمل کنند. مدرسه باید پیشاهنگ ارتباط با خانه باشد و با روش های گوناگون، اسباب مشارکت فکری اولیاء را در امر تعلیم و تربیت فرزندان شان فراهم کند.

¹ Barger

² Kim

³ Kuncel

⁴ Pomerantz

⁵ Smith

⁶ Reinke

⁷ Herman

⁸ Huang

⁹ academic achievement

والدین وظیفه دارند به طور مرتب با مدرسه ارتباط داشته باشند و با کسب اطلاعات کافی از وضع درسی و اخلاقی دانش آموزان، تصمیم معقولی برای مشارکت در تربیت اتخاذ کنند. در روش های برقراری ارتباط میان خانه و مدرسه، باید به چند نکته اساسی توجه کرد:

نکته اول: والدین زمانی قادر خواهند بود نقش تربیتی خود را به نحو مطلوب ایفا کنند و با مدرسه ارتباطی صحیح برقرار نمایند که از وضعیت درسی و رفتاری فرزندشان اطلاع کافی داشته باشند.

نکته دوم: والدین در موقع حضور در مدرسه، همیشه باید حفظ آرامش را به عنوان یک اصل، به خاطر داشته باشند. گاهی ممکن است پدر و مادر با مشاهده ضعف درسی در دانش آموز و یا گریه های او که مخصوصاً در دوره ابتدایی بیشتر اتفاق می افتد، احساساتی شوند و به صورت خشن و برافروخته با اولیاء مدرسه برخورد کنند. قطعاً چنین حالتی محل برقراری ارتباط مؤثر با مسئولان مدرسه خواهد بود.

نکته سوم: ارتباط اولیاء با مسئولان مدرسه، باید مستمر باشد. معنای استمرار این نیست که هر روز سری به مدرسه بزنند؛ بلکه لازم است به طور مرتب در منزل به وضعیت درسی و رفتاری فرزند خود رسیدگی کنند و بر طبق اطلاعات به دست آمده، با مدرسه ارتباط داشته باشند.

نکته چهارم: حد و دفعات حضور در مدرسه را نحوه و میزان رسیدگی به وضعیت دانش آموزان معلوم می کند. گاهی معلمان جلساتی را در زمان های مختلف تشکیل می دهند و از والدین دعوت به عمل می آورند. حضور مرتب در این جلسات ضروری است و به هماهنگی اولیاء و مربیان کمک می کند.

نکته پنجم: والدین در مدرسه، باید به عنوان ولی حضور پیدا کنند؛ نه به عنوان فردی که در یک جای خاص مسئولیت دارد. اگر پدر یا مادر دانش آموز در وزارتخانه یا سازمانی، مسئولیت اجرایی سطح بالایی دارد و در آنجا به عنوان رئیس ایفای نقش می کند و به تناسب مسئولیت، گاهی امر و نهی می نماید، نباید با همان شاکله و با همان انتظارات و تصورات وارد مدرسه شود (دبیری منش و صداقت خواه، ۱۴۰۰، صص ۱۶۵-۱۶۶).

۲-۳- موانع مشارکت والدین در امور مدرسه فرزندان

اگرچه مشارکت والدین در مدارس، بسیار اهمیت دارد؛ اما این مشارکت، همواره با مشکلات و موانعی روبه رو بوده است. بعضی از افراد معتقد هستند که این مشکلات، به ساختارهای نظام آموزشی کشور برمی گردد و برخی دیگر، عدم آگاهی خانواده ها از فواید مشارکت در امر آموزش، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، اعتماد، توانایی برای کنش های مشارکتی، رضایت، انسجام اجتماعی و شکاف های اجتماعی را در کاهش میزان مشارکت، مؤثر می دانند. در بسیاری از موارد، مشارکت در مدرسه، کمک مالی خانواده ها (والدین دانش آموزان) تلقی می شود که این مسئله، باعث نگرانی های زیادی در بین خانواده ها شده است. مواردی همچون درآمد پایین و شرایط بد اقتصادی والدین، تفاوت های زبانی و فرهنگی والدین و دیدگاه منفی معلمان نسبت به فرهنگ و صلاحیت والدین را می توان از جمله موانع مشارکت والدین برشمرد. به طور کلی، موانع مشارکت والدین^۱ در امور مدارس کشور را می توان به سه دسته کلی، تقسیم کرد:

دسته اول، موانع فکری و نگرشی^۲: یکی از عمده موانع مشارکت در کشور ما، ناشی از کاستی در اندیشه ها است. عدم احاطه و تسلط فکری، نبود اندیشه های ورزیده، وسیع و عمیق فلسفی و فکری در باب ابعاد و جوانب مختلف موضوع تعلیم و تربیت و نیز اداره سیستم های آموزشی، در میان سیاست گذاران، برنامه ریزان و مدیران نظام های آموزشی، هم چنین نبود نگرش و باور نسبت به مزایا و محاسن شرکت و مداخله اندیشه ها و تفکرات افرادی بیرون از پست های رسمی و اداری سیستم آموزش و پرورش (والدین)، این نظام را در محاق تصمیم شمار معدودی از تصمیم گیران خاص که در مرکز این سیستم متمرکز قرار دارند، نگه داشته و آن را از نعمت وجود پتانسیل علمی، فکری و تخصصی والدین با انگیزه و متعهد نسبت به آموزش و تربیت فرزندان خود، محروم ساخته است.

¹ obstacles of parent participation

² intellectual and attitudinal obstacles

دسته دوم، موانع آموزشی^۱: نظام آموزشی کشور ما، نظامی است متمرکز؛ بدین معنا که سیاست گذاریها و اتخاذ تصمیمات آموزشی تربیتی، توسط گروهی کارشناس و خبره که اکثر آنها صاحب نظران تعلیم و تربیت و فرهنگ نیز می باشند، انجام می گیرد و سپس این تصمیمات به سازمان های آموزشی استانها، برای اجرا، ابلاغ می گردد. از جمله اقداماتی که به گسترش مشارکت می انجامد، رفع کاستی های ناشی از سیاست گذاری های کلان اداری و آموزشی و نیز اصلاح قوانین و مقررات فعلی، در راستای قبول و پذیرش والدین در نظام آموزشی است.

موفقیت در تعلیم و تربیت، بدون مشارکت خانواده ها در زمینه های مختلف امکان پذیر نیست. زمانی فرزندان ما به هدف های عالی تربیتی و آموزشی دست خواهند یافت که هر دو نهاد خانه و مدرسه، احساس مسئولیت کرده، نسبت به وظایف خود هماهنگ عمل کنند و در تربیت دانش آموزان، روش های یکسانی را در پیش گیرند.

دسته دوم، موانع ساختاری^۲: نیازها و ضرورت های فرهنگی، آموزشی و تربیتی جامعه کنونی، کسب شایستگی های علمی، حرفه ای و تخصصی بیشتری را برای مدیران رده های بالایی، میانی و اجرایی، ضروری و اجتناب ناپذیر ساخته است. مدیران نظام آموزشی در کنار تعهد و احساس مسئولیت بالا، وجدان دینی و کاری قابل تحسین، لازم است با علوم اداری و جامعه شناسی سازمانی نیز آشنایی پیدا کرده؛ حتی در آنها تسلط کافی کسب نمایند. از مهم ترین ویژگی های مدیران اثربخش، خلاقیت، نوآوری و تحول پذیری این گروه از مدیران و نیز انتخاب و اعمال شیوه های مشورتی و مشارکتی برای تصمیم گیریها و اجرای امور در سازمان متبوع خود است. هر زمانی که مدیری، از خود، انعطاف و شایستگی برای یک عمل مشارکتی نشان داده است، بدون توجه به سایر موانع، کارها نسبتاً پیش رفته است (دهدار، ۱۳۹۸، صص ۵۹-۶۰).

یکی از راه های ممکن، برای دستیابی به هدف مهم افزایش ارتباط اولیاء با معلمان و مشارکت هرچه بیشتر آنها در امور مدارس که به رشد بیشتر تعلیم و تربیت و هماهنگ سازی آن با تغییرات پرشتاب جامعه منجر می شود، می تواند این باشد که پژوهشگران و مسئولین امر، به بررسی و شناسایی موانع موجود اثرگذار در امر مشارکت والدین پرداخته تا از این طریق بتوانند با حذف این موانع، زمینه مشارکت حداکثری والدین را در امور مدارس، فراهم آورند (کاسپی^۳ و لوپز^۴، ۲۰۱۸).

۲-۴- همکاری خانواده و مدرسه در آموزش دانش آموزان

همکاری والدین با مسئولان مدرسه، از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار است. می توان گفت بعد اصلی همکاری این دو را همکاری در مسائل آموزشی و پرورشی تشکیل می دهد.

نخستین نکته اینکه والدین باید نسبت به پایه تحصیلی و عناوین دروس فرزند خودشان اطلاع کافی داشته باشند و با مطالعه مقدمه و مطالب آغازین کتاب های درسی، آگاهی نسبی به دست آورند. گاهی در بحث های مقدماتی کتاب های درسی، نکاتی درج می گردد که مطالعه آنها برای والدین ضروری است. شناخت نقاط ضعف درسی دانش آموز و همفکری برای آن، ضرورت دیگر ارتباط خانه و مدرسه است. پس از گذشت چند هفته از سال تحصیلی می توان در وضعیت درسی دانش آموز تأمل کرد و نقاط ضعف و قوت او را به خوبی شناخت (دبیری منش و صداقت خواه، ۱۴۰۰، ص ۱۶۶).

مطلب دیگر، توجه والدین و معلمان به ویژگی های روانی کودکان و ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی آنها است. به عنوان مثال، کودکان نیاز به جلب توجه و ابراز خود دارند. آنها علاقه مند هستند که حاصل کار خودشان را عرضه کنند و بدین وسیله، این نیاز در آنان تأمین و ارضاء شود (نقی زاده، ۱۳۹۵). این نیاز در دوران مدرسه از طریق ارائه حاصل کارهای خود در امور درسی جلوه گر می شود؛ مثلاً ممکن است کودکی نقاشی بکشد و آن را نزد پدر و مادر خود بیاورد و ارائه دهد. در مقابل این عمل کودک، والدین باید به آن توجه

¹ educational obstacles

² structural obstacles

³ Caspe

⁴ Lopez

کنند و کودک را مورد تشویق قرار دهند. احتیاج به هدف، نیاز دیگر کودک است. اگر کودک بداند که درس را برای چه هدفی می‌خواند و آثار و نتایج هر یک از مواد درسی به او تفهیم شود، علاقه‌اش به درس خواندن افزایش پیدا می‌کند.

یکی از زمینه‌های مشارکت اولیاء این است که آن‌ها می‌توانند در تهیه و اجرای فعالیت‌هایی که منجر به ارتباط بین دو بنیاد تربیتی خانه و مدرسه می‌شوند، مشارکت داشته باشند. آموزش و پرورش و مدارس نیز باید جهت رسیدن به این هدف، فعالیت‌هایی از جمله تخصیص محلی در مدرسه برای اولیاء، ارتباطات تلفنی و مکاتبه‌ای^۱ با اولیاء، تدارک جلسات عمومی و بازدیدهای متقابل را در سرلوحه کار خود قرار دهد (ژاکرمن^۲، ۲۰۱۹).

از برنامه‌های مفید دیگری که اولیاء می‌توانند در اجرای آن به آموزش و پرورش کمک کنند، برنامه‌هایی در زمینه تغییر رفتار^۳ دانش‌آموزان است. این برنامه‌ها که تحت عناوین گوناگون و با همکاری مشاوران مدارس اجرا می‌گردند، واکنش‌های مناسب اولیاء را در مقابل رفتار دانش‌آموزان، تقویت می‌کنند. در این برنامه‌ها، اولیاء در طی جلسات متعدد، فوننی از جمله مشاهده رفتار^۴، تحلیل رفتار^۵ و چگونگی تقویت مهارت‌های رفتاری را یاد می‌گیرند. در برنامه‌های تقویت رفتار، معلم هر چند روز یک بار، گزارشی در مورد وضعیت رفتار و درس دانش‌آموزان تهیه کرده و سپس، توسط دانش‌آموز در اختیار اولیاء قرار داده می‌شود و اولیاء پس از مشاهده و تحلیل رفتارها، به آن‌ها بازخورد می‌دهد (خلیمه^۶ و مارگارتا^۷، ۲۰۲۰).

۲-۵- توانمندسازی مشارکت خانواده در امور آموزشی فرزندان

خانواده، به‌عنوان رکن اصلی در شکل‌گیری شخصیت کودک است و همچنین، مشاور و ناظر بر فعالیت‌های مدرسه در تربیت صحیح فرزندان جامعه است. مدرسه نیز به‌عنوان مرکز انتقال مفاهیم علمی و آموزشی و تربیت‌کننده دانش‌آموزان، به‌منظور ورود به جامعه می‌باشد. همه افراد در این امر، اتفاق نظر دارند که محیط و فضای خانوادگی و اجتماعی و فرهنگی که کودک در آن به‌سر می‌برد، در رشد او تأثیر فراوانی را دارد. محیط خانوادگی، محیط طبیعی اوست که در آن یادگیری‌های نخستین خود را آغاز می‌کند، چگونگی این محیط در سال‌های نخستین حیات کودک، همه دوران زندگی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

یکی از وظایف خانواده، پیگیری مسائل آموزشی^۸ فرزندان و ایفای نقش مکمل معلم و مدرسه در هدایت تحصیلی و ایجاد علاقه، انگیزش و گرایش مثبت در دانش‌آموز نسبت به درس و مدرسه است. همین توجه، پیگیری و اهمیت دادن والدین است که سبب ایجاد نگرش تحصیلی مناسب در فرزند، تأمین فضای روانی و عاطفی مطلوب و محرک در خانه نسبت به آموزش، مطالعه و انجام تکالیف درسی خواهد شد (وو^۹، ۲۰۲۱).

پدران و مادرانی که فکر می‌کنند تربیت حقیقی، وظیفه مدرسه و اجتماع است و خانواده در این زمینه، کاری نمی‌تواند بکند، سخت در اشتباه هستند. در این میان نمی‌توان نقش مدرسه را نادیده گرفت. بی‌تردید خانه و مدرسه، دو نهاد اساسی هستند که در کنار هم، امر تربیت نسل جدید را بر عهده دارند و آن‌ها را در جهت رشد، هدایت می‌کنند. هیچ مدرسه‌ای نمی‌تواند بدون جلب نظر و کمک والدین دانش‌آموزان، در امر تربیت فرزند آن‌ها موفق باشد و نیز، هیچ پدر و مادری نخواهند توانست بدون جلب نظر و همکاری مدرسه، در امر تربیت فرزندان خود توفیق یابند. بر این اساس، رابطه و پیوند بین این دو نهاد اساسی، باید به‌گونه‌ای باشد که والدین و معلمان احساس نیاز کنند و دست‌به‌دست هم داده و با یاری یکدیگر، سرمایه‌های این کشور را رشد دهند. همسویی خانه و مدرسه در عالی‌ترین شکل

¹ telephone and correspondence communications

² zuckerman

³ behavior change

⁴ behavioral observation

⁵ behavior analysis

⁶ Halimah

⁷ Margaretha

⁸ educational problems

⁹ Woo

خود، در قالب فعالیت‌های انجمن اولیاء و مربیان جلوه‌گر می‌شود و امروزه این انجمن‌ها، پرمعناترین وسیله ارتباط بین خانه و مدرسه محسوب می‌شوند.

مشارکت و هماهنگی خانه و مدرسه، آگاهی‌هایی را برای والدین به‌دنبال خواهد داشت که برای تربیت فرزندان شان مؤثر بوده و در نهایت در درمان بسیاری از ناهنجاری‌های جامعه موفق خواهند بود. با مشارکت جدی بین خانه و مدرسه، مدیران از وضعیت دانش‌آموزان در جنبه‌های مختلف آموزشی، مالی، تربیتی و غیره، آگاهی بیشتری به‌دست آورده و در برنامه‌ریزی‌های خود، توجه خاصی به این داده‌ها مبذول خواهند داشت.

۳- روش‌شناسی پژوهش

به‌منظور دستیابی به هدف اصلی از انجام این پژوهش و همچنین پاسخگویی به سه سؤال اساسی آن، از روش پژوهش «توصیفی - تحلیلی»^۱ استفاده شده است. این نوع از روش پژوهش، به‌دنبال آن است که توصیف کاملی و جامعی از مفهوم، موضوع یا پدیده مورد نظر پژوهشگر، ارائه کند و آن را از تمامی ابعاد ممکن، مورد بحث و بررسی قرار دهد.

مسئله مهم در نگارش این مقاله، آن است که مشخص کند: والدین، به‌منظور اجرای بهتر برنامه‌ریزی درسی مدارس از چه طریقی می‌توانند مشارکت خود را اعمال کنند، تعامل خود را با مدرسه حفظ کنند و با موانع و چالش‌های پیش رو در این زمینه، کنار بیایند. بنابراین، با توجه به این هدف کلی از انجام پژوهش، پاسخگویی به سه سؤال اساسی در بخش «یافته‌های پژوهش»، مد نظر پژوهشگر قرار گرفته است؛ سؤال اول پژوهش: خانواده چه نوع حمایتی را می‌تواند در اجرای بهتر برنامه‌ریزی درسی مدارس، داشته باشد؟ سؤال دوم پژوهش: تعامل بین خانواده و مدرسه، به‌منظور اجرای بهتر برنامه‌ریزی درسی مدارس، باید به چه صورت باشد؟ و چالش‌ها و موانع توسعه میزان مشارکت خانواده در اجرای بهتر برنامه‌ریزی درسی مدارس، کدامند؟

پژوهشگر، به‌منظور پاسخگویی به این سؤالات در موضوع مورد پژوهش خود، به جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی^۲ داخل و خارج از کشور پرداخته است. محدودیت‌هایی (معیار انتخاب مقالات) که پژوهشگر در این جستجوی خود در نظر گرفته بود، به این صورت بود: مقالات علمی چاپ شده در مجلات دارای درجه علمی - پژوهشی که تاریخ چاپ آن‌ها از سال ۱۳۹۵ شمسی (مقالات فارسی زبان) یا از سال ۲۰۱۸ میلادی (مقالات انگلیسی زبان) تا به زمان حال بوده است.

۴- یافته‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری مطرح شده در این مقاله و سایر پژوهش‌ها و بررسی‌های صورت گرفته در حیطه موضوع پژوهش حاضر، در این قسمت، سعی بر این داریم که در قالب یک جدول جمع‌بندی و به‌صورت خلاصه‌ای و مورد وار، به سه سؤال اساسی این پژوهش، با اشاره و ارجاع‌دهی به مقالات مربوطه، پاسخ دهیم.

سؤال اول پژوهش: خانواده چه نوع حمایتی را می‌تواند در اجرای بهتر برنامه‌ریزی درسی مدارس، داشته باشد؟

منبع	گزاره	مؤلفه‌های تأثیرگذار
دبیری‌منش و صداقت خواه (۱۴۰۰)	<ul style="list-style-type: none"> ❖ درک سرمایه فرزند خود یعنی همان عمر خدادادی و همکاری در جهت استفاده درست از آن در طول زندگی و طول تحصیل ❖ همکاری با مدرسه برای سرمایه‌گذاری در دانایی و جلوگیری از هزینه نادانی فرزندان خود ❖ شرکت فعال در جلسات انجمن اولیاء و مربیان به‌صورت ماهیانه 	نقش مسئولان مدارس

¹ descriptive-analytical

² data bases

	<ul style="list-style-type: none"> ❖ ارتباط دائم و معنی دار با معلم یا معلمان فرزند خود ❖ شرکت فعال و ارائه پیشنهادات به موقع و سازنده در تنظیم برنامه ریزی سالانه راهبردی مدارس و برنامه ریزی عملیاتی بر اساس تقویم اجرایی 	
نقش محیط خانواده	<ul style="list-style-type: none"> ❖ مشارکت والدین به صورت بیان دیدگاهها، نظرات و خلق و خوی فرزند به معلم ❖ کمک گرفتن از والدین، عنوان مشارکت کننده در جلسات نیازسنجی، به منظور تولید محتوای درسی ❖ تشویق فرزندان توسط والدین به انجام تکالیف آموزشی و برنامه ریزی برای امور آموزشی آنها در منزل 	کاردت- کریستینسن و وانگ (۲۰۱۸)
	<ul style="list-style-type: none"> ❖ تشویق فرزند خود به انجام تکالیف آموزشی و در خواندن، برنامه ریزی برای امور آموزشی فرزندان خود در منزل ❖ خانواده ها می توانند در حوزه شناسایی نیازهای فرزندان به معلم، نقش مؤثری داشته باشند. ❖ خانواده نقش حامی را ایفا می کند و هر قدر در این زمینه آشناتر شود، نقش مؤثرتری ایفا خواهد کرد. ❖ خانواده نقش اساسی در اجرای برنامه درسی دارد. خانواده می بایست برای دستیابی به هدفها و برنامه های درسی پیش بینی شده در تربیت عملی فرزندان در منزل تلاش کند. 	احمدی و محبی (۱۴۰۱)

سؤال دوم پژوهش: تعامل بین خانواده و مدرسه، به منظور اجرای بهتر برنامه ریزی درسی مدارس، باید به چه صورت باشد؟

مؤلفه های تأثیرگذار	گزاره	منبع
نقش مسئولان آموزش و پرورش	<ul style="list-style-type: none"> ❖ افزایش منابع و امکانات انجمن اولیاء و مربیان برای اجرای برنامه های مرتبط با جذب مشارکت های اولیاء ❖ ایجاد تحول در جامعه محلی اطراف مدرسه، بازدید معلمان از خانه دانش آموزان پر مسئله، حضور داوطلبان در مدرسه و ... ❖ پخش برنامه های مناسب از طریق رسانه های ارتباط جمعی، به ویژه تلویزیون، برای تبیین مزایای مشارکت اولیاء در امور مدرسه ❖ هدایت قانون مند مدیران آموزش و پرورش از جمله مدیران مدارس در جهت جلب مشارکت های اولیاء و ارزیابی از عملکرد آنها در این زمینه 	دبیری منش و صداقت خواه (۱۴۰۰)
	<ul style="list-style-type: none"> ❖ آگاه دادن به معلمان در مورد توانایی اولیاء در اجرای برنامه های درسی مدارس ❖ حضور بیشتر والدین در بخش های مختلف برنامه های درسی، با تقویت انجمن اولیاء و مربیان ❖ آموزش به اولیاء در زمینه امور آموزشی و پرورشی فرزندان 	کاسپی و لویز (۲۰۱۸)
	<ul style="list-style-type: none"> ❖ برنامه های درسی با مشارکت نمایندگان اولیاء در مدارس و شهرستان ها و یا حداقل در مراکز استان ها طراحی و تدوین گردد. ❖ در طراحی دروس عملی و مهارتی که در طراحی، اجرا و ارزشیابی به خدمات والدین و جامعه نیازمندند، والدین را بیشتر مشارکت دهند. ❖ با تشکیل کار گروه ها و با کمیته های مختلف در استان ها و شهرستان ها مقدمات مشارکت والدین در برنامه های درسی را به عمل آورند. 	مددلو، سعادت مند و پارمحمدیان (۱۳۹۷)

	<ul style="list-style-type: none"> ❖ قدردانی از فعالیت ها و همکاری های اولیاء در مدرسه ❖ استفاده مناسب از توانایی های تخصصی و مهارت های اولیاء ❖ تمرکز گرایی تدریجی از نظام آموزشی کاسته و روی آوری به برنامه های نیمه متمرکز و یا مدرسه محور ❖ عدم غلغله از مشارکت والدین در مراحل مختلف طراحی و تدوین برنامه های درسی، به منظور غنی سازی آن 	خلیمه و مارگارتا (۲۰۲۰)
	<ul style="list-style-type: none"> ❖ بهره گیری از مشارکت حداکثری خانواده ها در طراحی و اجرای برنامه ها و فعالیت های خارج از کلاس و مدرسه ❖ جلب مشارکت مادی و معنوی والدین جهت تدوین مقررات آموزشی، تهیه محتوا و منابع آموزشی و کمک آموزشی 	عراقیه (۱۴۰۰)
نقش والدین	<ul style="list-style-type: none"> ❖ شناخت بیشتر امکانات و شرایط محیطی از طرف والدین ❖ برخورداری اجرای پروژه های درسی از حمایت های عاطفی و اجتماعی والدین ❖ شناخت بیشتر والدین و ارتباط تعاملی آن ها با نهادها و مؤسسات دولتی و ملی ❖ کمک والدین به فرایند اجرای برنامه های درسی، از طریق در اختیار گذاشتن تجارب و راهبردهای آموزشی خود 	مددلو، سعادت مند و یارمحمدیان (۱۳۹۷)
	<ul style="list-style-type: none"> ❖ والدین از طریق برگزاری جلسات آموزشی با حضور مسئولین مدارس، با هدف ها و کارکردهای مدرسه آشنا شوند. ❖ وجود نیروی متخصص و آموزش دیده در مدارس که به عنوان یک رابط و هماهنگ کننده برنامه ها و فعالیت های بین مدارس و والدین، عمل کند. 	گوهری، جمشیدی و امین بیدختی (۱۳۹۶)
نقش مسئولان مدارس	<ul style="list-style-type: none"> ❖ طراحی گونه های مؤثر ارتباط مدرسه با خانه و بالعکس، درباره برنامه های مدرسه و پیشرفت دانش آموزان ❖ گردهمایی با والدین، حداقل یک بار در سال ❖ فرستادن پوشه هفتگی یا ماهانه از کار دانش آموزان به خانه، به منظور بررسی و نظارت خانواده ❖ ارائه اطلاعات شفاف در مورد دوره ها و برنامه های داخل مدرسه ❖ ارسال اطلاعات برای خانواده در مورد مهارت های مورد نیاز برای دانش آموزان در همه موضوعات در هر پایه تحصیلی 	شهری، شیربگی و بلند همتان (۱۳۹۷)
نقش فرهنگی اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> ❖ فرهنگ سازی صحیح در جامعه از طریق مراجع دینی، رسانه ها، کتاب ها، سمینارها و کارگاه های آموزشی 	گوهری، جمشیدی و امین بیدختی (۱۳۹۶)

سؤال سوم پژوهش: چالش ها و موانع توسعه میزان مشارکت خانواده در اجرای بهتر برنامه ریزی درسی مدارس، کدامند؟

منبع	گزاره	مؤلفه های تأثیرگذار
------	-------	---------------------

نقش مسئولان مدارس	<ul style="list-style-type: none"> ❖ احساس ناتوانی در هدایت اولیاء به سمت فعالیت‌های آموزشی و پرورشی ❖ عدم انگیزه مدیر در جلب مشارکت اولیاء ❖ ترس از مداخله بیجای اولیاء در امور مدرسه ❖ آشنا نبودن مدیران به مزایای مشارکت اولیاء ❖ ترس از کم شدن قدرت مدیر یا به عبارتی، قدرت‌طلبی مدیر ❖ نگاه سنتی مدیر به اداره امور مدرسه 	<p>دبیری‌منش و صداقت خواه (۱۴۰۰)</p>
	<ul style="list-style-type: none"> ❖ عدم تمایل والدین به مشارکت در برنامه‌ریزی‌های مدارس ❖ آگاهی کم اولیاء از مزایای مشارکت در امور مدرسه ❖ دغدغه‌های شغلی زیاد اولیاء ❖ بی‌توجهی به نظرات اولیاء در مدارس ❖ احساس عدم توانایی اولیاء نسبت به مشارکت در امور مدارس 	<p>ساکسینا، توژل و دیکوسیت (۲۰۱۹)</p>
نقش اولیاء	<ul style="list-style-type: none"> ❖ ترس از موضع‌گیری خشونت‌آمیز مسئولین مدرسه در قبال ارائه عقاید و نظریات آموزشی و پرورشی ❖ احساس بی‌توجهی نسبت به عقاید و نظریات آن‌ها توسط مسئولین مدرسه ❖ باور داشتن به مسئولیت‌پذیر بودن فرزند ❖ فقدان مکان مناسب برای حضور اولیاء در مدرسه ❖ عدم آگاهی از حقوق خویش در قبال مدرسه ❖ ترس از درخواست کمک مالی به مدرسه 	<p>دبیری‌منش و صداقت خواه (۱۴۰۰)</p>
	<ul style="list-style-type: none"> ❖ عدم تمایل والدین به مشارکت در برنامه‌ریزی‌های مدارس 	<p>وو (۲۰۲۱)</p>
	<ul style="list-style-type: none"> ❖ عدم برخورداری والدین از مهارت‌های اولیه لازم برای مشارکت در امور مدرسه ❖ عدم آگاهی از نحوه مشارکت مؤثر در امور مدرسه ❖ نگرش منفی والدین در مورد مشارکت در امور مدرسه 	<p>عراقیه (۱۴۰۰)</p>
	<ul style="list-style-type: none"> ❖ عدم شناخت اولیاء از هدف‌ها و کارکردهای مدرسه ❖ تغییرات سریع برنامه‌های درسی و آموزشی و عدم شناخت والدین و ناتوانی آن‌ها در تطبیق با برنامه‌ها ❖ وضعیت نامناسب اقتصادی خانواده‌ها ❖ عدم آگاهی والدین از پیامدها، نتایج احتمالی و فواید مترتب بر امر مشارکت در مدارس 	<p>گوهری، جمشیدی و امین بیدختی (۱۳۹۶)</p>
	<ul style="list-style-type: none"> ❖ مشکلات روحی و روانی خانواده‌ها ❖ آشنا نبودن والدین نسبت به وظایف خود در قبال دانش‌آموزان ❖ مداخله کمتر طبقات کارگر نشین ❖ بیکاری والدین ❖ فقدان سواد والدین ❖ فقدان سرپرستی کامل فرزند 	<p>شهری، شیربگی و بلند همتان (۱۳۹۷)</p>
نقش موانع ساختاری	<ul style="list-style-type: none"> ❖ روشن نبودن جایگاه مشارکت در بدنه ساختار مدارس ❖ نبودن بسترهای فرهنگی لازم برای مشارکت ❖ فقدان انگیزه مشارکت 	<p>وو (۲۰۲۱)</p>

	<ul style="list-style-type: none"> ❖ فقدان دانش‌های لازم مدیران، والدین و معلمان جهت فراهم آوری بسترهای لازم برای مشارکت والدین ❖ ساختار نامناسب اداری، فقدان قوانین مدون و عدم وجود انجمن‌های فعال اولیاء و مربیان در مدارس ❖ نگرش منفی برنامه‌ریزان، مدیران و معلمان در مورد مشارکت والدین 	مددلو، سعادت‌مند و یارمحمدیان (۱۳۹۷)
	<ul style="list-style-type: none"> ❖ متمرکز بودن نظام آموزش و پرورش ❖ نبودن مقدمات و پیشنیازهای ضروری از طرف دولت برای مشارکت مردمی و کمبود منابع لازم 	گوهری، جمشیدی و امین بیدختی (۱۳۹۶)
نقش موانع فرهنگی اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> ❖ توجیه نشدن مدیران و مسئولان در تمام سطوح ❖ عدم آگاهی والدین و ضعف در همکاری با مدرسه 	عراقیه (۱۴۰۰)
	<ul style="list-style-type: none"> ❖ نگرانی از ایجاد هرج و مرج در امور اداری مدارس ❖ نگرانی بابت بالارفتن هزینه‌های برنامه‌ریزی درسی مدارس ❖ پایین بودن سطح اقتصادی والدین برای مشارکت در امور مدرسه 	مددلو، سعادت‌مند و یارمحمدیان (۱۳۹۷)
	<ul style="list-style-type: none"> ❖ عدم تبلیغات مناسب توسط رسانه‌های عمومی در ترویج فرهنگ مشارکت در مدارس ❖ عدم نهادینه سازی فرهنگ مشارکت در جامعه 	گوهری، جمشیدی و امین بیدختی (۱۳۹۶)

۵- نتیجه‌گیری

یکی از قلمروهای برنامه‌ریزی درسی، اجرای برنامه درسی^۱ است. اجرای برنامه درسی، مهم‌ترین و دشوارترین مرحله از روند برنامه درسی^۲ است؛ بدین دلیل که مقصد نهایی هر برنامه درسی (اعم از مدرسه، دانشگاه یا سازمان آموزشی) کلاس درس است که دانش‌آموزان، معلمان و مدیران جامعه را درگیر خود می‌کند. این اجرا، در حالی صورت می‌گیرد که یادگیرنده، تجربیات، دانش، مهارت‌ها، ایده‌ها و نگرش‌های برنامه‌ریزی شده یا قصد شده را یاد می‌گیرد تا بتواند به‌طور مؤثر در یک جامعه آن‌ها را به‌کار گیرد. در این راستا، عوامل تأثیرگذار در اجرای مؤثر، مداخله والدین در تعلیم و تربیت فرزندان خود است. این درگیری والدین، یک حق و نیاز اجتماعی می‌باشد. بدون برقراری یک ارتباط فعال بین خانه و مدرسه، دانش‌آموزان به احتمال زیاد پیشرفت تحصیلی مطلوبی را نخواهند داشت. خانواده‌ها باید با نظارت بر پیشرفت دانش‌آموزان و حمایت از یادگیری دانش‌آموزان در خانه، با مدارس همکاری کنند (احمدی و محبی، ۱۴۰۱، صص ۱۲-۱۳).

در واقع نهاد خانواده، کوچک‌ترین واحد اجتماعی و در عین حال، مهم‌ترین و تأثیرگذارترین واحد تربیتی در جوامع محسوب می‌شود. اساساً یکی از عملکردهای مهم این نهاد، تربیت فرزندان است و بنابراین، خانواده در عین حال، نقش غیرقابل انکاری در این فرایند تربیت دارد؛ چنانچه می‌دانیم، خانواده، مهم‌ترین نقش را در زمینه‌سازی رشد و تحول فرزندان بر عهده دارد. بنابراین، لازم است با طراحی و اجرای تدابیر مناسب، خانواده را به‌لحاظ فکری و انگیزه‌ای برای انجام تکالیف تربیتی و ایفای نقش فعال در فرایند تربیت فرزندان خویش آماده کنیم و این، همان مهارت‌افزایی نهاد خانواده در تربیت فرزندان و به‌طور اخص، در برنامه‌های درسی است (احمدی و محبی، ۱۴۰۱، صص ۱۳-۱۴).

شکی نیست که در دنیای امروز، نقش خانواده به‌مثابه عاملی مهم در کیفیت مدارس به‌شمار می‌رود. این در حالی است که متأسفانه در کشور ما، فقدان مشارکت مناسب والدین با نهاد مدرسه و جامعه، یکی از کژکارکردهای نظام تعلیم و تربیت محسوب می‌شود (محمدی‌پویا،

¹ curriculum implementation

² curriculum process

ادیب و زارعی، ۱۳۹۹، ص ۳۶۱). سابقاً وظیفه مدارس، منحصر به انتقال دانش و معلومات به دانش‌آموزان تلقی می‌شد؛ اما به‌علت وجود تغییرات سریع اقتصادی و اجتماعی و تغییراتی که در ارزش‌ها و روش‌های زندگی در جوامع پدید آمده است، انتظار می‌رود که مدرسه، علاوه بر انتقال دانش و فرهنگ، خود را نیز ضامن رشد اجتماعی، عاطفی و سلامت و بهداشت روانی دانش‌آموزان بداند؛ بدین جهت، ضرورت مشارکت نهاد خانواده به‌عنوان رکن سهیم در فرایند تعلیم و تربیت، در بهبود شرایط آموزشی، فرهنگی و تربیتی و در تحول‌آفرینی نظام آموزش و پرورش، بیش‌ازپیش آشکار می‌گردد (قُدسی، بلالی و لطیفی پاک، ۱۳۹۶، صص ۸۲-۸۳).

در کشور ما، هر کجا از مشارکت خانواده در امور آموزش و پرورش سخن به‌میان آمده است، بیشترین توجه، جلب مشارکت مالی اولیاء برای گذراندن امور جاری مدارس شده است و کمتر از وجوه دیگری که خانواده می‌تواند مدرسه را یاری دهد، سخن به‌میان آمده است. شاید بتوان گفت عملاً اقدامی در جهت به‌کارگیری این توان، صورت نگرفته است؛ در صورتی که تلاش خانواده در جهت بالا بردن کیفیت آموزش و پرورش و کاهش افت تحصیلی فرزندان، از نظر اقتصادی، بیشتر از کمک‌های مالی خانواده‌ها بر آموزش و پرورش تأثیر دارد. نگاهی به مسائل ناشی از توسعه کمی آموزش و پرورش ایران و ناکافی بودن اعتبارات آموزش و پرورش جهت پاسخگویی به نیازهای آموزشی، بیانگر بحران در آموزش و پرورش است؛ بنابراین، بهترین مشارکت خانواده در ارتقاء آموزش و پرورش دانش‌آموزان، نظارتی است که والدین می‌توانند در مورد فرزندان خود، از طریق برنامه‌ریزی صحیح، کنترل، نظارت همه‌جانبه، ایجاد امکانات مناسب آموزشی، تربیتی و همکاری با برنامه‌های مدرسه، داشته باشند.

ورود کودک به مدرسه، آغاز مرحله نوینی از تعلیم و تربیت وی است که مسائل بسیاری از جمله شکوفایی استعدادها، آشنایی با هنجارها و ارزش‌های جامعه، اجتماعی شدن و دیگر موقعیت‌های جدید را برای کودک به‌همراه دارد. در کنار این تغییر و تحولات، لازم است که والدین نیز در زمینه تعلیم و تربیت فرزندان‌شان مشارکت کامل داشته باشند تا بتوانند جوابگوی نیازهای تربیتی^۱ آن‌ها باشند و در نتیجه، افرادی شایسته برای جامعه تربیت کنند (کاردت-کریستینسن^۲ و وانگ^۳، ۲۰۱۸). عواملی از قبیل، آگاهی کم اولیاء از مزایای مشارکت، عملکرد مدیران مدرسه در خصوص جذب مشارکت، دغدغه‌های شغلی اولیاء، عدم اعتنا به نظرات اولیاء در مدارس، کم‌رویی و احساس عدم توانایی نسبت به کمک به مدارس، از مهم‌ترین موانع مشارکت اولیاء بوده و بر میزان مشارکت اندک آن‌ها تأثیر زیادی دارد (ساکسینا^۴، توزل^۵ و دکوست^۶، ۲۰۱۹).

یکی از مشخصه‌های مدارس موفق، استفاده حداکثری از مشارکت والدین است؛ به همین دلیل است که در کشورهای توسعه یافته، همکاری میان خانه و مدرسه، به‌صورتی منسجم درآمده و این دو نهاد، مسئولیت مشترک خویش، یعنی تربیت فرزندان جامعه را با همفکری، همکاری و هماهنگی، انجام می‌دهند. به‌طور کلی، سهیم کردن خانواده‌ها در آموزش و پرورش، موجب افزایش اطلاعات و آگاهی افراد، گسترش مشارکت در سایر زمینه‌های اجتماعی، افزایش احساس همبستگی با سایر والدین، احساس یگانگی بیشتر با سازمان، افزایش اعتماد افراد به سازمان‌ها، کاهش هزینه‌های فردی و سازمانی و افزایش اثربخشی سازمانی، خواهد شد. مشارکت جمعی کلیه افراد در امور مدرسه، نوعی گسترش دموکراسی و مردم‌سالاری را نیز موجب می‌گردد و هنگامی که والدین در آموزش فرزندان‌شان مشارکت کنند، نگرش‌ها، رفتارها و وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان تقویت می‌شود.

۵-۱- پیشنهادات کاربردی پژوهش

در نهایت، با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر و در نظر گرفتن شرایط و اقتضات کشور، پیشنهادهایی به این شرح، در زمینه بهبود مشارکت والدین در امور آموزشی مدارس، ارائه می‌شود:

¹ educational needs
² curdt-Christiansen
³ Wang
⁴ Saxena
⁵ Tuzel
⁶ DeCoste

- جلب مشارکت اولیاء در امور مدارس و جلب اعتماد آن‌ها تا بدانند به آن‌ها نگاه ابزاری ندارند و حضورشان صرفاً برای دریافت کمک‌های مادی نیست و نیازمند تخصص‌ها و قابلیت‌هایشان در زمینه‌های بهسازی مدارس است.
- تعیین گروه‌بندی از اولیاء جهت مشارکت (برای مثال گروه آموزشی، گروه مالی، گروه عمرانی و گروه پرورشی) و از هر کدام، یک سرگروه تعیین و این سرگروه، چند نفر از اولیاء دیگر را در زیر مجموعه خود قرار داده و درباره مسائل گروه خود با مدرسه همکاری می‌کنند).
- بهسازی و تغییر محیط آموزشی از حالت‌های سنتی به حالت جدید تا دانش‌آموز مکان را برای خود، یک مکان دلچسب و زیبا ببیند و در نتیجه، رغبت آموزشی بیشتری در او ایجاد شود.
- همکاری و ترغیب مادران و پدران دانش‌آموزان در مسائل آموزشی و درگیر کردن خانواده‌ها (برای آموزش بعضی از دروس از مادران دعوت کنند تا در کنار دانش‌آموزان آموزش ببینند و همکاری کنند).
- دوره‌های ضمن خدمت مجازی و حضوری برای اولیاء باسواد و بی‌سواد در خصوص آگاهی دادن به آن‌ها در مورد امور تحصیلی فرزندان‌شان، برگزار شود.
- از آنجا که بعضی از اولیاء شاغل، به دلیل نداشتن فرصت کافی، نمی‌توانند در امور مدرسه مشارکت داشته باشند، پیشنهاد می‌شود نسبت به برنامه‌ریزی آموزش مکاتبه‌ای از طریق جزوات و بروشورهای خاص، اقدام گردد.
- رسیدگی به بعضی از فعالیت‌ها و تکالیف دانش‌آموز، منوط به همراهی اولیاء با وی باشد.
- در مورد اولیاء فعال در خصوص امور مدرسه و تحصیل، در برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی عمومی، تجلیل به عمل آید.

منابع و مراجع

- احمدی، حبیب، و محبی، علی. (۱۴۰۱). نقش خانواده در اجرای برنامه‌ریزی درسی مدارس. *نشریه علمی فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، ۱۷(۵۹)، ۱۱-۳۹.
- حسین آبادی، زینب، و سلیمی، سمانه. (۱۳۹۹). بررسی نقش میانجی بهسازی مدرسه در رابطه بین مشارکت اولیاء با کیفیت آموزشی. *فصلنامه نوآوری‌های مدیریت آموزشی*، ۱۶(۱)، ۷۳-۸۹.
- دبیری‌منش، فرزاد، و صداقت‌خواه، رامین. (۱۴۰۰). چگونه با استفاده از مدیریت خود می‌توانیم نقش انجمن و اولیاء را در امور مدارس ابتدایی افزایش دهیم؟ *مجله پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش*، ۴(۲۶)، ۱۶۲-۱۷۱.
- دهدار، مجتبی. (۱۳۹۸). بررسی موانع تعامل خانه و مدرسه. *رشد آموزش مشاور مدرسه*، ۱۵(۱)، ۵۸-۶۴.
- شهری، آذر، شیربگی، ناصر، و بلند همتان، کیوان. (۱۳۹۷). تحلیل مداخله خانوادها و اجتماعات محلی در فرایندهای آموزشی و مدیریتی مدارس با استفاده از مدل نظری «هم‌پوشانی حوزه‌های تأثیر». *مدیریت بر آموزش سازمان‌ها*، ۲(۲)، ۱۶۷-۲۱۰.
- علوی اندراجمی، معصومه، و ایزدی، صمد. (۱۳۹۶). بررسی اثرات نقش آموزش خانواده، مدرسه و جامعه بر پیشرفت تحصیلی. *نشریه آموزش علوم دریایی*، ۱۱، ۱۰۸-۱۲۰.
- قدسی، علی محمد، بلالی، اسماعیل، و لطیفی‌پاک، ندا. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت اولیاء در امور مدارس در همدان. *فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)*، ۱۲(۱)، ۸۱-۱۰۶.
- گوهری، زهره، جمشیدی، لاله، و امین بیدختی، علی اکبر. (۱۳۹۶). شناسایی موانع مشارکت والدین در امور مدارس مقطع

ابتدایی شهر سمنان. *دو فصلنامه مطالعات برنامه ریزی آموزشی*، ۴(۷)، ۱۳۳-۱۶۲.

محمدی پویا، سهراب، ادیب، یوسف، و زارعی، احمد. (۱۳۹۹). راهبردهای مناسب افزایش پیوند خانه، مدرسه و جامعه؛ تأملی در تجربیات جهانی. *فصلنامه علمی مدیریت مدرسه*، ۸(۳)، ۳۳۶-۳۷۰.

مددلو، قهرمان، سعادت‌مد، زهره، و یارمحمدیان، محمد حسین. (۱۳۹۷). شناخت مؤلفه‌های مشارکت والدین در اجرای برنامه‌های درسی دوره ابتدایی. *رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، ۱۰(۴)، ۲۳۴-۲۵۱.

مظاهری، حسن، موسی پور، نعمت الله، و ناطقی، فائزه. (۱۳۹۵). نقش خانواده در برنامه درسی شایستگی محور دوره ابتدایی از منظر اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش. *فصلنامه خانواده و پژوهش*، ۳۴، ۷-۳۲.

نقی زاده، علیرضا. (۱۳۹۵). نقش اولیاء در پی شبرد هدف‌های آموزش و پرورش کودکان در مقطع ابتدایی، *مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، علوم اسلامی، تهران*.

- Barger, M. M., Kim, E. M., Kuncel, N. R., & Pomerantz, E. M. (2019). The relation between parents' involvement in children's schooling and children's adjustment: A meta-analysis. *Psychological Bulletin*, 145(9), 855.
- Caspe, M., & Lopez, M. E. (2018). Preparing the next generation of librarians for family and community engagement. *Journal of Education for Library & Information Science*, 59(4), 157-178.
- Curdt-Christiansen, X. L., & Wang, W. (2018). Parents as agents of multilingual education: Family language planning in China. *Language, Culture & Curriculum*, 31(3), 235-254.
- Gross, J. M., Choi, J. H., & Francis, G. L. (2018). Perceptions of family engagement and support in SWIFT schools. *Inclusion*, 6(1), 60-74.
- Halimah, L., & Margaretha, S. Y. (2020, November). *Teacher-parent partnership on early childhood education curriculum development*. In 2nd Early Childhood and Primary Childhood Education (ECPE 2020) (pp. 212-222). Atlantis Press.
- Saxena, S., Tuzel, O., & DeCoste, D. (2019). Data parameters: A new family of parameters for learning a differentiable curriculum. *Advances in Neural Information Processing Systems*, 32, 1-11.
- Smith, T. E., Reinke, W. M., Herman, K. C., & Huang, F. (2019). Understanding family-school engagement across and within elementary-and middle-school contexts. *School Psychology*, 34(4), 363-375.
- Woo, E. (2021). *Exploring the practices and experiences of family-school partnerships: An in-depth case study* Doctoral dissertation, School of Education, Macquarie University.
- Zuckerman, S. J. (2019). Making sense of place: A case study of a sensemaking in a rural school-community partnership. *Journal of Research in Rural Education*, 35(6), 1-18.

The importance and place of family and school interaction in better implementation of school curriculum planning

Abstract

Parents' participation in the design, implementation and evaluation of curricula is one of the most important challenges in the world of education. The important issue in writing this article is to clarify: In order to better implement the curriculum of schools, in what way parents can apply their participation, maintain their interaction with the school and deal with the obstacles and challenges ahead in this field. Therefore, according to the above explanations, the purpose of this research was to answer three basic questions as follows; The first question of the research: What kind of support can the family have in better implementation of school curriculum planning? The second research question: What should be the interaction between family and school, in order to better implement school curriculum planning? And what are the challenges and obstacles to the development of family participation in better implementation of school curriculum planning? In order to answer these three research questions, the "descriptive-analytical" research method was used. In order to answer these questions, the researcher searched in domestic and foreign databases and the limitations of his search (criteria for selecting articles) were as follows: scientific articles published in journals with a scientific degree - research whose date of publication It has been since 2015 (Persian-language articles) or from 2018 (English-language articles) until now.. According to the theoretical foundations presented in this article and other researches and investigations carried out in the scope of this research, In the form of a summary table and in summary, the three basic questions of this research were answered by referring to the relevant articles.

Key words: curriculum implementation, school curriculum planning, family participation in curriculum planning, family participation in schools.